

تحلیل تجربه زیسته دبیران ورزش از بی عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم

■ روح الله علی نیا* ■ مجتبی احمدی** ■ زین العابدین فلاح*** ■ طاهر بهلکه****

چکیده:

تحقیق حاضر از جمله تحقیقات کیفی است که به صورت میدانی اجرا شده است. روش کیفی مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع پدیدارشناسی بود. مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل معلمان ورزش در مناطق محروم بودند. برای اجرای کار از روش نمونه گیری هدفمند و با رویکرد نمونه گیری همگون و در عین حال با رعایت حداکثر تنوع نمونه گیری استفاده شد. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری شکل گرفت. در نهایت تعداد ۱۵ مصاحبه در این خصوص انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل موضوعی استفاده شد. بر اساس نتایج، ۵ عامل جسمی، روانی، تربیتی، آموزشی و ورزشی در بی عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم تأثیرگذار است. به مدیران فعال در این زمینه پیشنهاد می شود با رفع مشکلات پیش روی ورزش مدارس در مناطق محروم از جمله اختصاص بودجه بیشتر، نیروی انسانی با انگیزه تر و امکانات بیشتر شرایط شرکت دانش آموزان این مناطق را در فعالیت های ورزشی بیشتر کنند.

جسمی، روانی، تربیتی، آموزشی، ورزشی

کلید واژه ها:

■ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۳ ■ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۰/۹/۲۷ ■ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۸

* دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. E-mail: alinia.ro@gmail.com
 ** (نویسنده مسئول) استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران. E-mail: Mojtabaahmadi171@gmail.com
 *** دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. E-mail: zy.fahhal@gmail.com
 **** استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. E-mail: t.bahlekeh@gmail.com

مقدمه

ورزش مدارس پایه و اساس توسعه ورزش در کشورهاست. سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش مدارس سبب شده امروزه از آن به‌منزله زیربنایی برای توسعه ورزش یاد شود (دارنل^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در کشورهای پیشرفته از توسعه ورزش مدارس برای ارتقای ورزش در ابعاد گوناگون استفاده می‌شود. سرمایه‌گذاری در حوزه مدارس سبب می‌شود دورنمای مطلوبی از ورزش ایجاد شود (کامیره و کندلن^۲، ۲۰۱۶). در کشور ایران مشکلات عمده‌ای در روند توسعه ورزش مدارس وجود دارد. ضعف‌های مالی مشخص در نظام آموزش و پرورش در کشور ایران سبب شده ورزش مدارس نیز با مخاطراتی جدی مواجه شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه ورزش مدارس از حوزه‌های مهم و اصلی در جامعه است که سبب توسعه ورزش می‌شود. بهره‌گیری از ظرفیت‌های ورزش مدارس می‌تواند به توسعه‌یافتگی ورزش در سطح ملی منجر شود (بیلی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). اگرچه ورزش در مدارس به‌منزله مسئله‌ای مهم همواره مدنظر بوده، روند توسعه‌یافتگی ورزش مدارس به‌صورت مناسبی اجرایی نشده است (بجومدل و گجسدال^۴، ۲۰۲۰). ورزش در مدارس به‌صورت یکپارچه در تمامی مناطق و محیط‌ها مورد توجه نبوده است و این مسئله به بروز مشکلات عمده‌ای در برخی محیط‌ها در این خصوص منجر شده است (سولز^۵ و همکاران، ۲۰۲۱).

سلامت بدنی دانش‌آموزان موجب می‌شود آنان وظایف و کارهای روزانه خود را بدون احساس خستگی انجام دهند و توانایی لازم را برای مقابله با پیشامدهای ناگهانی داشته باشند. در این زمینه یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها برای هم‌زمانی رشد علم‌آموزی و سلامت نهادینه کردن زنگ ورزش در مدارس است (گوتیرز^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). یکی از مشکلات کنونی کشور پایین بودن سرانه فضای ورزشی جامعه است. این مهم زمانی می‌تواند نگران‌کننده تلقی شود که دانش‌آموزان به‌منزله قشر پذیرا و نیازمند ورزش در شرایط بدتری در قیاس با دیگر اقشار جامعه قرار دارند. در بسیاری از کشورها ورزش مدارس به‌منزله پلی برای رسیدن به بزرگ‌ترین موفقیت‌های ورزشی دانسته می‌شود. در این زمینه، گسترش ورزش در مدرسه در چین باعث شده تا مدال‌های پرتعدادی در بازی‌های المپیک کسب شود. در این کشور کارگروه‌های ویژه‌ای برای نظارت بر ورزش مدارس وجود دارد (هی^۷ و همکاران، ۲۰۱۵). وابستگی ورزش قهرمانی به مدارس در ایالت متحده آمریکا بیش از دیگر کشورها به چشم می‌خورد. در این کشور بیشتر از الگوی چین برای توسعه ورزش در مدارس استفاده می‌شود. در این زمینه مدارس ژاپن از زنگ ورزش به‌منزله شروعی برای شکل‌دادن قهرمانان آینده ژاپن در المپیک و جهان نام می‌برند. همچنین در سوئد دانش‌آموز ورزشکار تا هجده سالگی علاوه بر برخورداری از انواع امکانات رایگان آموزشی از تمام تسهیلات و امکانات ورزشی رایگان نیز بهره‌مند است (ترودیائو و سفارد^۸، ۲۰۰۸).

همان‌گونه که عنوان شد، ورزش در مدارس در تمامی مناطق به‌صورت برابر انجام نمی‌شود. همین امر به شکل‌گیری حس بی‌عدالتی در دانش‌آموزان و معلمان ورزش منجر می‌شود. در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله مظلومیان و مرادی (۱۳۹۹) در تحقیق خود پی بردند که کمبود شدید معلم

در مناطق محروم، شرایط سخت زندگی در این مناطق و در نظر نگرفتن امکانات ویژه برای ایشان به استفاده اجباری از دیپلمه‌های ناکارآمد به‌عنوان حق‌التدریس یا سرباز معلم منجر شده است؛ این امر خود به بازتولید فقر آموزشی در این مناطق نیز منجر می‌شود. بهرامی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود، که به بررسی عارضه‌یابی ورزش در مدارس مناطق محروم کشور پرداخته بودند، پی بردند وضعیت عارضه‌های شناسایی شده از جمله اهداف، ساختار، پاداش، سازوکارهای مفید، ارتباطات و رهبری در شرایط نامطلوبی قرار دارند. همچنین رنجبری و همکاران (۱۳۹۷) پژوهش خود را با هدف تحلیل موانع فقرزدایی ورزشی در ایران انجام دادند. آن‌ها پس از بررسی‌ها، پی بردند که برخی موانع در مناطق محروم و فقیرنشین کشور از جمله توجه نکردن خانواده‌ها به ورزش، وجود تغییرات طبیعی و جغرافیایی و ایجاد برخی معضلات طبیعی، نبود برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش، ضعف فرهنگی در خصوص استفاده تمامی اقشار و گروه‌های حاضر، نبود واحدهای صنعتی و تولیدی برای حمایت از ورزش و توجه نکردن مدیران ارشد ورزشی کشور به مقوله توسعه ورزش، در گروه متغیرهای مستقل اصلی، سبب ایجاد و شکل‌گیری سایر موانع می‌شوند. گارنرپور کیس^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی، پس از بررسی‌ها، پی بردند که برخی راهکارها از جمله ارائه کلاس‌های رایگان برای افراد ضعیف جامعه، ارزیابی رایگان فردی و تسهیل میزان مشارکت افراد محروم در فعالیت‌های بدنی ممکن است تأثیر مهمی در بهبود فعالیت‌های ورزشی در مناطق محروم بگذارد.

اهمیت ورزش مدارس سبب شده است که امروزه انتظارات گسترده‌ای از این ورزش در تمامی ابعاد جامعه وجود داشته باشد، به صورتی که روند توسعه ورزش اثر مستقیمی در عملکرد ورزشی یک جامعه دارد. در روند توسعه ورزش مدارس می‌بایستی عدالت‌محوری به‌صورت جدی مدنظر قرار گیرد. توسعه عدالت در برنامه‌ریزی ورزشی در مدارس سبب می‌شود که ورزش در تمامی مناطق نهادینه شود. این در حالی است که امروزه در بسیاری از مدارس امکانات و تجهیزات ورزشی وجود ندارد. این مسئله سبب رشد بی‌عدالتی‌ها در مسیر توسعه تربیت‌بدنی در مدارس شده است (مظلومیان و مرادی، ۱۳۹۹). مشکلات متعددی بر اثر توجه نکردن به ورزش مدارس، به‌خصوص در مناطق محروم کشور، به‌وجود آمده است. هدر رفتن استعدادها و نبود برنامه‌های فرهنگ‌سازی در این مناطق سبب شده است به‌نوعی فقر ورزشی در این مناطق شکل گیرد (رنجبری و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو، ضرورت انجام‌دادن تحقیقات جامع در راستای تقویت وضعیت ورزش مدارس، به‌خصوص در مناطق محروم کشور، به‌خوبی درک می‌شود. خلأ تحقیقاتی در این حوزه سبب شده است در مسیر برنامه‌ریزی و گسترش ورزش مدارس در مناطق محروم کشور ابهامات اساسی وجود داشته باشد. توجه‌نداشتن به تجربه زیسته دبیران ورزش در خصوص بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم سبب شده وضعیت واقعی ورزش مدارس در این مناطق دچار ابهامات اساسی شود. این مسئله ضمن ایجاد خلأ تحقیقاتی باعث شده است که دغدغه توسعه امکانات و زیرساخت‌ها در ورزش مدارس وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت ورزش در مدارس، روند یکسانی برای توسعه ورزش در تمامی مناطق ایجاد نشده است. امروزه در برخی

محیط‌ها، از جمله مناطق محروم، روند توسعه ورزش یکسان نیست. این مسئله سبب شده است مشکلات عمده‌ای در حوزه ورزش مدارس، به خصوص در مناطق محروم، ایجاد شود (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸). بررسی پژوهش‌هایی که بر وجود بی‌عدالتی در ورزش مدارس ایران صحنه گذاشته‌اند و همچنین تجربه معلمان ورزش که گروه پژوهش با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند باعث شد تا چنین پژوهشی انجام گیرد. در نتیجه آن می‌توان درک مناسب و ساختاریافته‌ای از وضعیت بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم داشت. از سوی دیگر، بررسی پدیدارشناختی این مسئله و همچنین مطالعه و تحلیل تجربه زیسته دبیران ورزش در خصوص بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم کشور سبب خواهد شد شواهد عینی و معتبری در این خصوص ایجاد شود. این مسئله سبب شد انجام دادن تحقیق حاضر تأثیر مهمی در روند شکل‌گیری شواهد علمی و عملی در خصوص بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم ایجاد کند. به عبارتی، ایجاد این شواهد ضمن مشخص کردن ضعف‌های موجود در این حوزه امکان دارد به ایجاد راهکارهایی برای بهبود وضعیت بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم منجر شود. این مسئله می‌تواند روند توسعه ورزش مدارس را تحت‌الشعاع قرار دهد و در نهایت به شکل‌گیری شواهدی در خصوص بهبود برنامه‌ریزی در حوزه ورزش مدارس، به خصوص در مناطق محروم ایران، منجر شود. با توجه به این موضوع، تحقیق حاضر با هدف تحلیل تجربه زیسته دبیران ورزش از بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم سعی در پاسخ به این سؤال داشت که وضعیت بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم چگونه است و چه حوزه‌هایی تحت تأثیر بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم قرار می‌گیرند.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از جمله تحقیقات کیفی بود که به صورت میدانی اجرایی شد. روش کیفی مورد استفاده از نوع پدیدارشناسی بود. از موارد مناسب برای کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا نیاز به روشن‌سازی بیشتر پدیده‌ای خاص وجود دارد (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۹۴). بی‌عدالتی در ورزش مناطق محروم هنوز به درستی تبیین نشده است. متون و تحقیقات بسیاری در این زمینه وجود ندارد و متون موجود هم بیشتر در چارچوب بررسی‌های کمی و منحصر به سازه ورزش مدارس به صورت کلی بوده است. از این رو، پژوهشگران پژوهش حاضر رویکرد فوق را برای بررسی بی‌عدالتی در ورزش مناطق محروم انتخاب کردند. شایان ذکر است در راستای جنبش پدیدارشناسی، بر اساس دیدگاه‌های فلسفی، روش‌شناسی‌های متفاوتی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها مطرح شده است. در پژوهش حاضر از روش پدیدارشناسی توصیفی شامل سه مرحله درک مستقیم، تجزیه و تحلیل و توصیف استفاده شد. در مرحله درک مستقیم محقق کاملاً در پدیده مورد نظر غوطه‌ور می‌شود. در این فرایند، محقق ضمن اجتناب از هرگونه نقد، بررسی و اظهار نظر شخصی پدیده مورد نظر را آن‌گونه می‌شناسد که مشارکت‌کنندگان توصیف می‌کنند. در مرحله تجزیه و تحلیل، محقق در پی تشخیص جوهره پدیده

موردنظر و مضامین (تم‌های) اصلی و مشترک است. در مرحله توصیف، که مرحله آخر و مکمل مراحل قبلی است، اجزای اصلی و شاخص پدیده‌ها به هم مرتبط و مضامین و جوهره‌های موجود در پدیده‌ها گروه‌بندی می‌شوند (هالووی و ویلر^۱، ۲۰۰۲). در این پژوهش درک عمیق تجارب معلمان ورزش مناطق محروم با راه‌یافتن به توصیفات بیان‌شده از تجربه‌های آن‌ها در متن و زمینه ویژه خودشان امکان‌پذیر بود. با توجه به هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند از میان معلمان ورزشی انتخاب شدند که تجربه‌ای در زمینه بی‌عدالتی در ورزش مناطق محروم داشتند. بدین‌صورت که از معلمان ورزش پرسیده می‌شد آیا تجربه‌ای در زمینه بی‌عدالتی در ورزش مناطق محروم دارند و اگر پاسخ آن‌ها مثبت بود، در روند مصاحبه قرار می‌گرفتند. فرایند گزینش نمونه‌ها ادامه پیدا کرد تا هنگامی که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. به عبارتی، داده‌ها در ۱۳ مصاحبه به اشباع رسیدند و ادامه مصاحبه صرفاً برای اطمینان از یافته‌ها انجام شد. در این پژوهش ۱۵ مصاحبه با ۱۵ نفر از معلمان ورزش انجام پذیرفته است.

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و عمیق استفاده شد. مصاحبه با سؤالی وسیع و کلی درباره چگونگی وضعیت بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم، حوزه‌های تحت تأثیر بی‌عدالتی در ورزش مدارس این مناطق و راهکارهای موجود برای رفع این بی‌عدالتی شروع شد. سپس سؤال‌های اکتشافی برای تشویق شرکت‌کننده و دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. مدت مصاحبه‌ها بین ۵ تا ۲۵ دقیقه و در یک جلسه انجام شد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد زمان و کانال ارتباطی مصاحبه را به دلخواه خودشان تعیین کنند زیرا به علت پراکندگی نمونه‌ها و همچنین شیوع ویروس کرونا به‌ناچار مصاحبه‌ها به‌صورت مجازی از طریق اسکایپ، واتس‌آپ و تماس تلفنی انجام گرفتند. مصاحبه‌ها تا دستیابی به داده‌های عمیق ادامه یافت. با در جریان گذاشتن و کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها با تلفن همراه ضبط شدند و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه، پس از گوش دادن چندین باره، متن آن‌ها پیاده و تحلیل شد. ابتدا اطلاعات مکتوب مصاحبه‌ها چندین مرتبه خوانده می‌شد تا محتوای کلی آن درک شود. این کار همراه با گوش دادن به بخش‌هایی از اطلاعات ضبط‌شده انجام می‌شد (مروری بر تمام اطلاعات). در مرحله بعد، عبارات، جملات یا پاراگراف‌هایی که مربوط به سؤال‌های پرسیده‌شده در مصاحبه‌ها بودند جدا و در فایل‌های جداگانه‌ای نگهداری می‌شدند. پس از آن برای هر جمله مهم توصیفی کوتاه از معنی پنهان در آن نوشته می‌شد. این فرایند را سه نفر به‌صورت جداگانه و با هم انجام دادند. سپس معانی بیرون‌کشیده از جملات با هم ترکیب شدند تا یک معنی مشترک حاصل شد (ایجاد معانی فرموله‌شده). در مرحله بعد، عبارات و جملات کوتاهی از معانی فرموله‌شده، توسط هریک از نفراتی که مرحله چهارم را انجام داده بودند، جداگانه دسته‌بندی شدند و پس از آن به بحث گذاشته شدند. تکرار مضامین یکی از شاخص‌های اعتبار است. برای تعیین اعتبار داده‌ها، در این مرحله، یک نفر از افراد ذی‌صلاح مضامین به‌دست‌آمده را با اطلاعات تطبیق داد (قراردادن معانی فرموله‌شده در داخل دسته‌ها و شکل دادن مضامین

در درون دسته‌های متفاوت). پس از آن، مفاهیم اساسی اطلاعات که با اتفاق نظر پژوهشگران انتخاب شده بودند به صورت خلاصه‌ای روایت‌وار نوشته شد. این خلاصه را پژوهشگر نوشت و سپس نقرات دیگر، به اتفاق پژوهشگر، آن‌ها را تصحیح کردند (ایجاد یک توصیف روایتی مختصر). در ادامه کار، به منظور تأیید روایی و دقت تحقیق، معتبر بودن، اطمینان‌پذیری و قابلیت تأیید داده‌ها بررسی شد. برای تضمین معتبر بودن، یافته‌های این مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آن‌ها نظرهای خود را دربارهٔ هماهنگی یافته‌ها با تجارب خود به محققان ابراز کردند (بازگشت به منظور تعیین اعتبار). همچنین گروه تحقیق تعمق مشارکتی پیرامون مضمون‌های پدیدار شده را در مراحل گوناگون مطالعه انجام دادند. پژوهشگران با حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش قابلیت تأیید این پژوهش را تضمین کردند. علاقه‌مندی پژوهشگران به پدیده مورد مطالعه، تماس درازمدت با داده‌ها و همچنین تلاش برای کسب نظرهای دیگران در این زمینه از دیگر عوامل تضمین‌کننده قابلیت تأیید بودند.

جدول ۱. نتایج روایی و پایایی

نتیجه	روش		
تأیید	● تأیید فرایند پژوهش توسط هفت متخصص	قابلیت باورپذیری (اعتبار)	روایی
تأیید	● استفاده از دو کدگذار برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه		
تأیید	● نظرهای سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند	انتقال‌پذیری	
تأیید	● ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها	تأییدپذیری	
تأیید	● در اختیار قرار دادن اطلاعات به استادان راهنما و مشاور	مطالعه حساس‌رسی فرایند	پایایی
تعداد کل کدها: ۱۱۲ تعداد کل توافقات: ۵۳ تعداد کل عدم توافقات: ۶ پایایی بین دو کدگذار: ۹۴/۶٪ بیشتر از ۶۰٪ و تأیید پایایی	● تحلیل سه مصاحبه توسط محقق و همکار و مشخص کردن کدهای مشابه و غیرمشابه	توافق درون‌موضوعی دو کدگذار	

به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت کردند. از آن‌ها برای شرکت در تحقیق و استفاده از ضبط‌صوت برای ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست‌آمده صرفاً برای اهداف تحقیق استفاده می‌شود و در اختیار افرادی غیر از گروه پژوهش قرار نمی‌گیرد. همچنین به شرکت‌کنندگان تأکید شد که در هر مرحله‌ای از پژوهش می‌توانند انصراف خود را از شرکت در پژوهش اعلام کنند و مشخصات آن‌ها طی انجام‌دادن تحقیق و بعد از آن به صورت محرمانه حفظ خواهد شد.

کدگذاری در این پژوهش به دو صورت کدگذاری اولیه و کدگذاری ثانویه انجام شد. کدگذاری اولیه شامل خواندن خطبه خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه بود. همچنین کدگذاری ثانویه شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص کردن زیرطبقات و تشکیل طبقات نهایی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل موضوعی استفاده شد که از کارآمدترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی، به‌ویژه در پژوهش‌های پدیدارشناختی، است. در انجام دادن این تحلیل مضمون‌های فرعی و اصلی در خصوص اهداف تحقیق شناسایی شدند. همچنین برای بررسی یافته‌های جمعیت‌شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان در تحقیق از آمار توصیفی، شامل فراوانی و درصد، استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش اطلاعات جمع‌آوری شده از اجرای مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا داده‌های توصیفی مصاحبه‌شوندگان و در جدولی با دسته‌بندی مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها ارائه می‌شود و در بخش بعد هر کدام از مضمون‌ها به صورت مبسوط توصیف می‌شوند. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش ۱۵ نفر بودند که ۴۶/۷ درصد از آن‌ها خانم و مابقی آقایان بودند. میزان ۳۳/۳ درصد دارای تحصیلات کاردانی، ۴۶/۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و مابقی دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند. از تحلیل مصاحبه‌ها ۵ مضمون و ۲۸ زیرمضمون استخراج شد. ابتدا چند نمونه از کدهای استخراج شده از متن مصاحبه‌ها ارائه و در ادامه نتایج در جدول ۲ گزارش خواهد شد.

جسمی	بحث منافع و مزایای جسمی ورزش بر همگان روشن است، اینکه ورزش چه آثار و فواید مثبتی در دانش‌آموزان دارد و سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تضمین می‌کند. وقتی که شما در جایگاه معلم در مناطق محروم مشغولید، می‌توانید خیلی از ناهنجاری‌های رفتاری - حرکتی را در دانش‌آموزان به علت کمبود تغذیه و وراثت ببینید. وقتی هم که امکانات و نیروهای کافی برای زنگ ورزش در مدارس در اختیار مدارس مناطق محروم نباشد، می‌توان شاهد کاهش عملکردهای جسمی و روانی دانش‌آموزان بود.
روانی	بچه در مناطق محروم اصولاً درسته که به علت ماهیت روستایی بودن روحیه آرام‌تری دارد، اما مسئله غالبی که می‌توان شاهدش بود بی‌اعتماد به نفسی در آن‌هاست. دانش‌آموزان بسیار خجالتی‌اند و اضطراب و استرس در چهره‌شان کاملاً مشهود است.
تربیتی	دانش‌آموزان مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته اصولاً به همه چیز و همه‌کسی احساس ناراضی‌ت دارند، اینکه در حق آن‌ها بی‌عدالتی صورت گرفته و مقصر خیلی از مشکلات دیگران‌اند، چون امکانات ورزشی کمی در اختیار آن‌هاست. در دوره ابتدایی اصلاً معلم ورزشی ندارند تا بسیاری از فنون تربیتی که بچه‌ها اصولاً در خلال ورزش به دست می‌آورند را کسب کنند.
آموزشی	آمادگی جسمی که به علت شرکت در فعالیت‌های ورزشی به دست می‌آید به افزایش سطح آمادگی ذهنی برای آموزش و یادگیری منجر می‌شود. خیلی از بچه‌ها اصلاً به خاطر زنگ ورزش در مدارس حاضر می‌شوند و اگر به آن‌ها بگویید که زنگ ورزش مثلاً تعطیل است و یا باید فلان درس را در زمان ورزش بگذارند، بسیار ناراحت و شاک می‌شوند.
ورزشی	بچه‌هایی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند درست است که علاقه بسیار زیادی به ورزش دارند، اما چون امکانات کافی در اختیار آن‌ها نیست و اصلاً معلم ورزش متخصصی ندارند نمی‌توانند استعدادهای ورزشی خودشان را نشان دهند.

جدول ۲. استخراج مضمون‌ها و زیرمضمون‌های اصلی

زیرمضمون‌ها	مضمون
کم‌حرکی	جسمی
چاقی	
تأثیر منفی در فرایند رشد	
بروز بیماری‌های قلبی - عروقی، مغزی	
افزایش اضطراب	روانی
کاهش اعتمادبه‌نفس	
کاهش تاب‌آوری	
افزایش افسردگی	
افزایش استرس	تربیتی
پرخاشگری و خشونت در مدرسه	
پرورش نیافتن منش پهلوانی	
کاهش روحیه همکاری و تعامل	
کاهش روحیه گذشت	
تمایل به بزهکاری	
عدم پرورش یافتن نسل شاداب	
کاهش انگیزه پیروزی	
کاهش رعایت حقوق دیگران	
کاهش روحیه اجتماعی شدن	
افزایش حس بی‌تفاوتی نسبت به دیگران	آموزشی
عدم تمرکز در دروس دیگر	
عدم انگیزه و علاقه به حضور در مدرسه	
کاهش خلاقیت	
کاهش انگیزه یادگیری	ورزشی
عدم تقویت حافظه	
عدم کسب موفقیت ورزشی	
عدم تجربه شرکت در گروه‌های ورزشی	
کاهش آمادگی بدنی	ورزشی
عدم کشف استعدادها و ورزشی	

■ بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش به‌منزلهٔ ارکان توسعهٔ پایدار شناخته‌شده است و فعالیت‌ها و برنامه‌های مدنظر آن در مسیر رشد و تعالی جوامع در ابعاد گوناگون تأثیر بسزایی دارد. کارکردهای آموزش و پرورش سبب شده است مسیر توسعهٔ پایدار در آن جست‌وجو شود (هاینز و زدرویک^{۱۱}، ۲۰۱۸). با توجه به چنین اهمیتی که آموزش و پرورش دارد، توجه به ابعاد و زمینه‌های آن (از جمله ورزش، هنر، علم و فناوری) و توزیع برابر امکانات در تمامی مناطق شهری و روستایی دارای اهمیت فراوانی است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف سنجش بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم از دید دبیران ورزش انجام شد. بر اساس نتایج، اکثر دبیران ورزش شاغل در مناطق محروم بی‌عدالتی در ورزش مدارس را درک کرده‌اند. همان‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ عنوان کرد: «در مدرسهٔ ما، حتی بیشتر از سایر مدارس منطقه، این بی‌عدالتی به چشم می‌خورد و باید کاری انجام شود.» در حوزهٔ بی‌عدالتی در ورزش مدارس پژوهش‌های کمی انجام شده و در بیشتر پژوهش‌ها به‌صورت کلی مسئلهٔ آموزش در مناطق مختلف کشور بررسی شده است. از این‌رو این نتیجه با نتایج پژوهش‌های زارعی (۱۳۹۷)، سامری و همکاران (۱۳۹۴) و شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳)، به‌صورت کلی، همخوان و هم‌راستاست. همچنین مشخص شد که بُعد تربیتی از مهم‌ترین حوزه‌های تحت تأثیر بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم از دید دبیران ورزش است. پرخاشگری و خشونت در مدرسه، پرورش نیافتن منش پهلوانی، کاهش روحیهٔ همکاری و تعامل، کاهش روحیهٔ گذشت، تمایل به بزه‌کاری، پرورش نیافتن نسل شاداب، کاهش انگیزهٔ پیروزی، کاهش رعایت حقوق دیگران، کاهش روحیهٔ اجتماعی‌شدن و افزایش حس بی‌تفاوتی به دیگران از جمله آثار تربیتی منتج از بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم است که باید برای رفع این آثار اقداماتی صورت گیرد. از دید مصاحبه‌شونده شماره ۲ این مشکلات به‌صورت کامل قابل مشاهده است: «من خودم در جریان بسیاری از مشکلات دانش‌آموزان در مدرسه هستم و می‌بینم که این دانش‌آموزان به کدام سمت در حرکت‌اند و خیلی ناراحتم که به‌راحتی می‌توان با پرکردن دانش‌آموزان با اوقات فراغت ورزشی آن‌ها را از مسیر انحراف دور کرد که متأسفانه این امر صورت نمی‌گیرد.» همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ عنوان کرد: «وقتی مداری که از نظر امکانات ورزشی در شرایط بهتری هستند را می‌بینم، متوجه تفاوت تربیتی دانش‌آموزان مدرسهٔ خودم با دانش‌آموزان آن مدرسه می‌شوم. ای‌کاش شرایط به نحوی پیش برود که امکانات ورزشی مناسبی در اختیار تمام مدارس قرار گیرد.» بنابراین همان‌گونه که در پژوهش‌های پیری‌زمانه و همکاران (۱۳۹۹)، وفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷) و حسین‌زاده و مومبینی

(۱۳۹۷) مشاهده می‌شود آثار تربیتی از جمله آثار برابری (نابرابری) آموزشی در مدارس کشور است.

همچنین مشخص شد که حوزه‌های آموزشی دومین حوزه متأثر از بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم است. نبود تمرکز در دروس دیگر، نبود انگیزه و علاقه به حضور در مدرسه، کاهش خلاقیت، کاهش انگیزه یادگیری و نبود تقویت حافظه از جمله آثار بی‌عدالتی و ورزش نکردن برای دانش‌آموزان است. از دید مصاحبه‌شونده شماره ۵ بی‌عدالتی در ورزش مدارس تأثیر بسیاری در عملکرد آموزشی دانش‌آموزان دارد: «نمی‌دانم به چه دلیل این اتفاق رخ می‌دهد. اینکه چرا دانش‌آموزانی که از نظر تحصیلی عملکرد بهتری دارند در ورزش نیز به همان نسبت بهتر عمل می‌کنند و حتی برعکس. این مسئله مثل شمشیر دولبه است، یعنی اگر امکانات ورزشی خوبی در اختیار مدارس به خصوص مدارس مناطق محروم قرار گیرد، عملکرد آموزشی و تحصیلی دانش‌آموزان بهتر می‌شود و اگر قرار نگیرد، عملکرد تحصیلی هم تحت تأثیر آن ضعیف می‌شود.» از سوی دیگر، ناصح و همکاران (۱۳۹۷) از اهداف و کارکردهای ورزش دانش‌آموزی و افزایش موفقیت دانش‌آموز در دروس دیگر صحبت می‌کنند. به صورت کلی، نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش‌های قربانی و همکاران (۱۳۹۹) و ناصح و همکاران (۱۳۹۷) همخوان و همراستا است.

مسئله دیگر بُعد روانی است. دانش‌آموزان مناطق محروم که شاهد بی‌عدالتی در ورزش مدارسشان اند دچار مشکلات روانی منتج از ورزش نکردن می‌شوند، آثاری همچون افزایش اضطراب، کاهش اعتمادبه‌نفس، کاهش تاب‌آوری، افزایش افسردگی و افزایش استرس. آثار روانی مثبت ورزش کردن بسیار زیاد و متنوع است. در نتیجه این بی‌عدالتی است که دانش‌آموزان مناطق محروم به دلیل فرارگیری در منطقه جغرافیایی نامناسب از آثار مثبت روانی آن بی‌بهره‌اند. در ادامه این نتایج، مصاحبه‌شونده شماره ۱ به خوبی اشاره کرده است: «دانش‌آموزان مناطق محروم، کلاً از نظر مشکلات روانی مثل ناهنجاری‌های روانی، نسبت به مناطق توسعه‌یافته‌تر از شرایط بدتری برخوردارند و ورزش می‌تواند این آثار را کمتر نماید. ورزش می‌تواند منجر به افزایش اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان گردد و اضطراب، افسردگی و استرس را در آن‌ها کاهش دهد.» بنابراین نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش متقی‌شهری و همکاران (۱۳۹۸) همخوان و همراستا است.

همچنین مشخص شد که در بُعد ورزشی (کسب‌کردن موفقیت ورزشی، نداشتن تجربه شرکت در گروه‌های ورزشی، کاهش آمادگی بدنی و کشف‌نشدن استعدادها و ورزشی) نیز بی‌عدالتی در ورزش مدارس تأثیرگذار است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ در این زمینه عنوان کرد: «درست است که در بسیاری موارد خاستگاه ورزش در مناطق محروم است، چراکه بسیاری از قهرمانان ورزشی عنوان نموده‌اند که در شرایط سختی

توانستند موفقیت‌های ورزشی را کسب کنند، اما طبیعتاً اگر دانش‌آموزان در شرایط رفاهی بیشتری قرار گیرند، می‌توانند عملکرد ورزشی بهتری از خود نشان دهند.» به‌صورت کلی، نتایج این بخش با نتایج پژوهش‌های قربانی و همکاران (۱۳۹۹) و ناصح و همکاران (۱۳۹۷) همخوان و همسوست. درنهایت مشخص شد بُعد جسمی که شامل کم‌تحركی، چاقی، تأثیر منفی در فرایند رشد و بروز بیماری‌های قلبی - عروقی و مغزی است از پیامدهای بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم است. نتایج این قسمت از پژوهش نیز با نتایج پژوهش‌های متقی‌شهری و همکاران (۱۳۹۸) و ناصح و همکاران (۱۳۹۷) همخوان و همسوست.

به‌صورت کلی، در جمع‌بندی می‌توان این‌گونه عنوان کرد که امروزه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در حوزه آموزش و پرورش شده است به‌صورتی که توسعه حوزه‌های مربوط به آموزش و پرورش از ضروریات این کشورها به‌شمار می‌رود (کامیره^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹) و آموزش و پرورش، در جایگاه سازمانی مهم، سهم چشمگیری از بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اهمیت و تأثیر تعلیم و تربیت، به‌خصوص در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، ضروری است برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش فعالیت‌هایی اساسی صورت گیرد تا از به‌هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). در هر کشوری از جهان بخش بزرگی از درآمد ملی به‌گسترش و بهبود کارایی آن کشور اختصاص داده می‌شود. در واقع آموزش و پرورش رکن اساسی جوامع انسانی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل مؤثر در بهبود کارکرد این نهاد، پیداکردن نقاط قوت و ضعف آن و ایجاد تغییرات مفید با توجه به نیازهای جامعه از ضروریات است (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از مسائل مهم در حوزه آموزش و پرورش ورزش است. توجه به ورزش به‌منزله یکی از ارکان مهم نظام آموزش و پرورش مشخص است (جوئت^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴). اهمیت ورزش در مدارس سبب شده است ارتقای سطح کیفی و کمی ورزش در مدارس به‌صورت جدی مدنظر مدیران و متولیان امر قرار گیرد (لیندزی^{۱۴}، ۲۰۲۰). در ۱۳۰۶ ش که زنگ ورزش در برنامه نظام آموزش کشور گنجانده شد تداعی آن به یکی از خاطرات شیرین دانش‌آموزان تبدیل شده است. شاید مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اوایل سال تحصیلی دانش‌آموزان ساعت زنگ ورزش در برنامه هفتگی باشد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۰). کارکردهای زنگ ورزش و درکل ورزش در مدارس سبب شده است که امروزه بسیاری از جوامع در مسیر رشد ورزش در جامعه از قابلیت‌های ورزش در محیط‌های آموزشی، از جمله دانشگاه و مدارس، بهره‌گیرند (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۶). پارکاری^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۷) اشاره داشتند که مسیر رشد و توسعه ورزش در

جامعه از ورزش مدارس آغاز می‌شود که این مسئله ضرورت توجه به ورزش مدارس را بیش از پیش مهم می‌کند. زنگ ورزش، به‌منزله مسئله‌ای مهم، تأثیری اساسی و حیاتی در توسعه فرهنگ ورزشی در میان افراد دارد. این در حالی است که نبود شفافیت‌ها در زمینه ورزش مدارس در بسیاری از مناطق به‌خوبی درک می‌شود (کریستیانسن و هولیهان^{۱۶}، ۲۰۱۷). بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، به مدیران آموزش و پرورش کشور موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- برنامه جامع رفع بی‌عدالتی در ورزش مدارس مناطق محروم تدوین شود که می‌تواند با کارگروهی متشکل از معلمان ورزش نخبه فعال در مناطق محروم، مدیران مدارس مناطق محروم و پژوهشگران این حوزه انجام گیرد.
- مدیران و متصدیان ورزش دانش‌آموزی مناطق محروم را در اولویت اختصاص بودجه قرار دهند. این امر می‌تواند از طریق فهرستی انجام شود که در آن اسامی مدارس مناطق محروم و میزان بودجه موردنیاز برای تجهیز آن‌ها قرار دارد.
- معلمان ورزش بازخورد مناسبی از وضعیت ورزش مدارس مناطق محروم در اختیار مدیران مرتبط قرار دهند. این امر می‌تواند از طریق ثبت وقایع به‌صورت ماهانه در قالب گزارشی از جانب معلمان ورزش ارائه شود. از دانش‌آموزان می‌توان برای ثبت وقایع استفاده و نمونه‌های عینی را مطرح کرد.
- دانش‌آموزان، والدین، معلمان و مدیران مدارس مناطق محروم مطالبه‌گر امکانات ورزشی موردنیاز خود باشند. این امر می‌تواند از طریق تهیه نامه‌ها و مکاتبات منظم و منسجم در قالب نامه‌های اداری صورت گیرد. تمامی جزئیات در این نامه‌ها (فهرست اقلام موردنیاز به همراه اولویت‌بندی آن‌ها و تعیین میزان اهمیت آن‌ها) باید درج شود.
- مدیران مدارس مناطق محروم و معلمان ورزش از خیرین ورزش‌یار در توسعه امکانات ورزش مدارس مناطق محروم بهره‌گیرند. این امر می‌تواند در روزهای خاصی از سال نظیر روز ورزش، روز دانش‌آموز و اعیاد مذهبی با اعلام فراخوان‌هایی صورت گیرد. دعوت حضوری از خیرین از طرف دانش‌آموزان و معلمان یا مدیران مدارس، دعوت با واسطه و دعوت عمومی از جمله این روش‌ها می‌تواند باشد.
- مدیران ارشد برای افزایش انگیزه‌های فعالیت معلمان ورزش در مناطق محروم تلاش کنند. اعطای پاداش‌ها و تکریم مناسب آن‌ها یکی از روش‌هاست. همچنین می‌توان در ارزیابی‌های سالانه معلمان ورزشی معلمانی را که عملکرد بهتری در مناطق محروم داشته‌اند مشخص کنند و از آن‌ها به‌درستی تجلیل شود. همچنین رفتارهای شهروندی معلمان برای دیگران بازگو شود، رفتارهایی که خارج از تعهدات معلمی آن‌ها بوده است اما آن‌ها در انجام‌دادن این اقدامات پیش‌قدم بوده‌اند.

منابع REFERENCES

- ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۴). کتاب روش‌های تحقیق کیفی. نشر بشری.
- بهرامی، شهاب، قبادی، بی‌تا و محمدی، شیرین. (۱۳۹۸). بررسی عارضه‌یابی ورزش در مدارس مناطق محروم کشور. نشریه مدیریت مدرسه، ۱۰۲-۸۷، (۳)۷.
- پیری‌زمانه، مسلم، عباس پور، عباس، غیائی ندوشن، سعید، خورسندی طاسکوه، علی و برزویمان، صمد. (۱۳۹۹). الگوی مناسب کاهش نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران. مدیریت مدرسه، ۴(۴)، ۲۴۳-۲۱۹.
- حسین‌زاده، علی حسین و مومینی، محمدعلی. (۱۳۹۷). بررسی نقش سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بر نابرابری آموزشی. علوم تربیتی، ۲(۲)، ۲۳۲-۲۱۳.
- حمیدی، مهرزاد، وحدانی، محسن، خبیری، محمد و علی دوست، ابراهیم. (۱۳۹۶). تدوین استراتژی‌های تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی وزارت آموزش و پرورش. فصلنامه علمی - پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱(۱)، ۵۰-۳۳.
- رضوی، سید محمدحسین، شیعانی بهار، غلامرضا و سجادی، سید احمد. (۱۳۹۰). تحلیل عوامل تأثیرگذار در کیفیت بخشی درس تربیت‌بدنی مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان ورزش. پژوهش‌نامه مدیریت و رفتار حرکتی، ۷(۱۴)، ۱۰۳-۱۱۳.
- رنجبری، شیدیا، آقازاده، اکبر و چمن‌گلی، عبدالله. (۱۳۹۷). تحلیل موانع فقرزدایی ورزشی در ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۰(۵)، ۸۶-۶۳.
- زارعی، یعقوب. (۱۳۹۷). تبیین نابرابری‌های نظام آموزشی در توزیع فرصت‌ها؛ مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی. مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۴(۱۱)، ۱۴۷-۱۷۴.
- سامری، مریم، حسنی، محمد، سید عباس‌زاده، میرمحمد و موسوی، میرنجم. (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت و ارائه الگوی کاهش نابرابری‌های آموزشی و عدالت‌گستر بر اساس آموزه‌های دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان غربی). فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۰(۲۰)، ۷۳-۹۲.
- سبحانی‌زاد، مهدی، نجفی، حسن و نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۶). مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. مطالعات ملی، ۲(۷۰)، ۴۴-۲۵.
- شیرکرمی، جواد و بختیارپور سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۷(۲۶)، ۵۸-۴۱.
- قربانی، سعید، طیبی، بهمن، دیلمی، کیانوش، رحمان‌نیا، غلامحسین و شکی، مسعود. (۱۳۹۹). تأثیر تربیت‌بدنی در مدارس بر انگیزش و رفتار فعالیت بدنی در نوجوانان: بررسی مدل انتقال زمینه‌ای. پژوهش در ورزش تربیتی، ۸(۲۱)، ۱۷۹-۱۹۶.
- متقی‌شهری، محمدحسن، غفوری، فرزاد، هنری، حبیب و شهلایی، جواد. (۱۳۹۸). طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶)، ۱۷-۳۸.
- مظلومیان، سعید و مرادی کوچی، لیلان. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در مدارس مناطق محروم [مقاله ارائه‌شده]. نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز.
- میرزایی، ایمان، میرزایی، مرضیه و زارع، علی‌رضا. (۱۳۹۴). بررسی موانع به‌کارگیری فناوری اطلاعات در تربیت‌بدنی آموزش و پرورش (نمونه موردی: مناطق محروم کشور). پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۴(۳)، ۱۳۳-۱۲۳.
- ناصح، مهتاب، خبیری، محمد، جلالی فراهانی، مجید و سجادی، سید نصرالله. (۱۳۹۷). واکاوی بنیان‌های نظری ورزش آموزشی - تربیتی و استخراج عوامل زمینه‌ای مؤثر و متأثر از آن. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۴)، ۹۳-۱۱۰.
- وفایی‌مقدم، علی، دوستی، مرتضی، فخری، فرناز و جعفری، مهران. (۱۳۹۷). بررسی موانع توسعه ورزش مدارس استان مازندران. پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۱۴(۲۸)، ۱۶۷-۱۸۲.

■ Bailey, R., Armour, K., Kirk, D., Jess, M., Pickup, I., Sandford, R., & Education, B. P. (2009). The educational benefits claimed for physical education and school sport: an academic review. *Research papers in education*, 24(1), 1-27.

■ Bjørndal, C. T., & Gjesdal, S. (2020). The role of sport school programmes in athlete development in Norwegian handball and football. *European Journal for Sport and Society*, 17(4), 362-384.

- Camiré, M., & Kendellen, K. (2016). Coaching for positive youth development in high school sport. In N. L. Holt (Ed), *Positive youth development through sport* (pp. 126-136). Routledge.
- Camiré, M., Rathwell, S., Turgeon, S., & Kendellen, K. (2019). Coach-athlete relationships, basic psychological needs satisfaction and thwarting, and the teaching of life skills in Canadian high school sport. *International journal of sports science & coaching*, 14(5), 591-606.
- Darnell, S. C., Field, R., & Kidd, B. (2019). *The history and politics of sport-for-development*. Palgrave Macmillan UK.
- Gamer-Purkis, A., Alageel, S., Burgess, C., & Gulliford, M. (2020). A community-based, sport-led programme to increase physical activity in an area of deprivation: a qualitative case study. *BMC public health*, 20(1), Article number: 1018, <https://doi.org/10.1186/s12889-020-08661-1>.
- Gutiérrez, M., Gil-Madrona, P., Prieto-Ayuso, A., & Díaz-Suarez, A. (2017). Appropriate behaviours in physical education and the sport at school and validation of the questionnaire. *Cuadernos de Psicología Del Deporte*, 17(2), 99-110.
- Heinze, K. L., & Zdroik, J. (2018). School board decision-making and the elimination of sport participation fees. *Sport, Education and Society*, 23(1), 53-67.
- He, M., Xiang, F., Zeng, Y., Mai, J., Chen, Q., Zhang, J., & Morgan, I. G. (2015). Effect of time spent outdoors at school on the development of myopia among children in China: a randomized clinical trial. *Jama*, 314(11), 1142-1148.
- Holloway, I., & Wheeler, S. (2002). *Qualitative Research in Nursing*. Blackwell publishing.
- Jewett, R., Sabiston, C. M., Brunet, J., O'Loughlin, E. K., Scarapicchia, T., & O'Loughlin, J. (2014). School sport participation during adolescence and mental health in early adulthood. *Journal of adolescent health*, 55(5), 640-644.
- Kristiansen, E., & Houlihan, B. (2017). Developing young athletes: The role of private sport schools in the Norwegian sport system. *International Review for the Sociology of Sport*, 52(4), 447-469.
- Lindsey, I. (2020). Analysing policy change and continuity: Physical education and school sport policy in England since 2010. *Sport, Education and Society*, 25(1), 27-42.
- Parkkari, J., Pasanen, K., Jussila, A. M., Oksanen, R., Ojala, A., Autio, K., & Kannus, P. (2017). Sports and exercise safety in finland-live: an implementation program to sport clubs and schools. *brj Sports Med*, 51(4), 371-371.
- Sulz, L. D., Gledie, D. L., Urbanski, W., & Humbert, M. L. (2021). Improving school sport: teacher-coach and athletic director perspectives and experiences. *Sport in Society*, 24(9), 1554-1573.
- Trudeau, F., & Shephard, R. J. (2008). Physical education, school physical activity, school sports and academic performance. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 5(1), 10-24.

پی‌نوشت‌ها

1. Darnell
2. Camire & Kendellen
3. Bailey
4. Bjørndal & Gjesdal
5. Sulz
6. Gutiérrez

7. He
8. Trudeau & Shephard
9. Gamer-Purkis
10. Holloway & Wheeler
11. Heinze & Zdroik

12. Camire
13. Jewett
14. Lindsey
15. Parkkari
16. Kristiansen & Houlihan